

تحولی ایجاد کند، چه رسد به تحول آفرینی در اجتماع؟! با قدری باریک بینی درمی یابیم که انتظار مراتبی دارد و آن چه در روایات وارد شده باید بر اساس درجات انتظار و کمال یافتگی آن باشد. با نگاهی اجمالی به تاریخ بشر روشن می شود که انتظار، امری فطری و وجودی است، نه امری ایجادیه؛ یعنی نیازی نیست که انتظار در درون افراد ایجاد شود، بلکه انتظار همراه انسان و در درون او موجود است و تنها باید شناخته و پرورده شده، در راه درست هدایت شود. شاید ریشه انتظار درونی، به نیاز انسان برای همراهی با واسطه های الهی مربوط می شود؛ زیرا همه ایمنای بشر پیش از ورود به این جهان شلوغ و سرشار از سرگرمی ها و اشتغالات مادی و معنوی گوناگون، در برابر پروردگار خود پیمان بسته اند که جز او را نپرستند و همواره همراه و تابع مظاهر اسماء الهی باشند. از این رو انگیزه خداجویی انسان در درون خود، انتظار را نیز به همراه دارد و از آن جا که انتظار امری وجودی است، تشکیک پذیر و دارای مراتب است و چون امری وجودی است، مهم ترین گام برای حرکت در مسیر بلند انتظار، خودشناسی و تعریف خویشتن است؛ زیرا هرکس بر اساس تعریفی که از خود دارد اهداف و آرمان های خویش را تعیین می کند.

حقیقت این است که غیبت، عاملی برای تنبه و بیداری انسان هاست؛ چراکه حتی آن هنگام که حجت خدا در میان مردم آشکارا حضور داشت، در حقیقت ناشناخته و نامشهود بود؛ زیرا امام معصوم و حجت خدا را با چشم دل باید دید و حقیقت او را شناخت و پیروی کرد. در چنین شرایطی خداوند برای بیداری انسان ها و فرستادنشان در پی حقیقت، غیبت امام عصر علیه السلام را مقدر فرمود تا انسان به خود آید و متوجه شود که امام را نمی بیند و نمی شناسد. روشن است که غیبت امام، امری معرفتی و شخصیتی است؛ چراکه اولاً امام، مظهر تمام اسماء الهی است، لذا هم حاضر و هم ظاهر است؛ ثانیاً در احادیث متعددی اشاره شده که امام مهدی علیه السلام در میان مردم حضور دارد:

يَقْفِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ فَيَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَ لَا يَرَوْنَهُ. (ابن بابویه، 1404: 124)

بنابراین غیبت امام به معنای زندگی ایشان در جهانی ماورا نیست و غیبت و محرومیت ناشی از آن، نتیجه غفلت بیننده است نه عدم حضور و ظهور دیدنی آن حضرت که برآمده از پایین بودن سطح معرفتی مردم است. از این رو درمی یابیم غیبت با وجود تمام دشواری هایش، اگر به شکوفایی انتظار فطری بینجامد، دارای بلندترین اهداف تربیتی است و موجب رشد و ارتقای انسان می شود؛ اما این رشد باید درونی باشد تا انسان بتواند پرده های غفلت و غیبت را کنار زده، ظهور امام را درک کند. از آن جا که حب ذات از قوی ترین نیروهای وجودی انسان است و انسان همواره طالب نفع خویش بوده و هر عملی که از او سر می زند بر اساس نفع طلبی و علاقه مندی او به خویشتن است، لذا انتظار _ که

دشوارترین و ارجمندترین عمل انسانی است _ از این قاعده به دور نیست؛ به‌ویژه از آن‌رو که از جمله عناصر و مؤلفه‌های تعیین‌کننده انتظار، عنصر محبت است. اما روشن است که درجات حب ذات نیز بر اساس درجات خودآگاهی و خویش‌شناسی افراد رتبه‌بندی می‌شود؛ لذا این مقاله بر آن است تا ارتباط مراتب انتظار و درجات خودشناسی و حب ذات را بررسی کند.

مراتب انتظار

عشق و محبت از عناصر اصلی انتظار به شمار می‌رود. در حقیقت، عامل ایجاد انتظار، شوق و محبت نسبت به موضوع مورد انتظار است که خود از حب ذات ناشی می‌شود، اما عشق و محبت انسانی، امری ثابت و ساکن نیست، بلکه دارای سیری تحولی و تکاملی است؛ سیری هدفمند که مقصدش همان مبدأ آن یعنی سیر الی الله است. در این‌جا مراتب انتظار و ارتباط آن با درجات معرفت و محبت انسان نسبت به خویش‌شناسی را بررسی می‌کنیم.

1. انتظار فرج با انگیزه عشق به خود

عشق به خود از سرمایه‌ها و ویژگی‌های ذاتی و تکوینی هر انسان است. این عشق، سرمایه‌ای بزرگ است که اگر به درستی درک، هدایت و ساماندهی شود و در مسیر تکامل قرار گیرد، همه مسیر کمال را با پتانسیل و نیروی همین عشق به خویش‌شناسی، می‌توان طی کرد. حب ذات، اصیل‌ترین غریزه آدمی است که نیرومندترین محرک زندگی آدمیان به شمار می‌رود. اگر این حب ذات از آغاز زندگی در محیط مناسب به وسیله تعلیم و تربیت‌های سازنده توجیه شود، نه تنها به صورت نیروی محرک زندگی معقول یک فرد درمی‌آید، بلکه حتی می‌تواند در اصلاح و توجیه منطقی یک جامعه مؤثر واقع گردد (جعفری، 1375: ج 4، 146). اما اگر این عشق در همان منزل اول توقف کند، تنها در حیطه نفس، دنیا، هوس و در یک معنا، در بعد حیوانی انسان عمل خواهد کرد. عشق حیوانی در وجود انسان، تابع غرایز اوست و آن شیء که غریزه را اشباع و ارضا کند محبوب عشق حیوانی او می‌شود (میرزایی، 1387: ج 2، 261). شعاع این عشق حیوانی بسیار تنگ است و انسان نمی‌تواند از محدوده جسم و نیازهای جسمی یا برتری‌جویی‌های شخصی‌رهایی یابد. حب ذات، غریزه‌ای است که فراگیرتر و مقدم‌تر از آن شناخته نشده است و همه غرایز دیگر از شاخه‌ها و شعبه‌های این غریزه هستند و علت آن، وجود ویژگی غریزه زندگی است. حب انسان به ذات خود _ یعنی دوست داشتن لذت و سعادت ذات خویش و تنفر از درد و شقاوت _ همان انگیزه‌ای است که انسان را به سمت کسب معیشت و فراهم کردن نیازهای غذایی و مادی برمی‌انگیزد. از این‌رو واقعیت حقیقی و طبیعی _ که در پس تمام زندگی انسانی پنهان شده و در آن نقش‌آفرینی می‌کند _ همان حب ذات است (صدر، 1401: 36-

37). همه تلاش‌های انسان، در حب ذات او ریشه دارند و برآمده از عشق انسان به خویش‌تند. این امر از حرص و هلع ذاتی انسان ناشی می‌شود:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا﴾. (معارج: 19)

خداوند در قرآن کریم بارها از ویژگی نفع‌طلبی انسان برای تشویق او به سمت هدایت و سعادت بهره گرفته است:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾. (انعام:

104)

﴿وَ مَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾. (فاطر: 18)

انتظار فرج موعود با انگیزه عشق به خویش‌تن، نخستین گام در سیر تکاملی انتظار است؛ زیرا بنا بر روایات، دوران طلایی ظهور، دورانی است که نعمت‌ها فراوان می‌شود و زمین و آسمان تمام مکونات خود را برای رفاه انسان‌ها پرورش داده و ظاهر می‌کنند، مشکلات و بیماری‌ها از زندگی انسان برطرف می‌شود و تمام انسان‌ها در آسایش مادی و آرامش روانی قرار می‌گیرند. در این مرحله، انسان خود را به صورت خود جسمی و اجتماعی تصور می‌کند؛ از این‌رو خواسته‌های او نیز متوجه پرورش خود جسمی و اجتماعی است. خود این مرحله نیز دارای درجاتی است:

الف) انتظار برای رفاه مادی و گشایش در امور زندگی شخصی: نازل‌ترین سطح انتظار امام زمان عجله الله تعالی فرجه انتظار برای وسعت و گشایش در امور زندگی خود است؛ یعنی انسان فراتر از خود پا ننهد و نهایت خواسته‌اش، رسیدن به رفاه مادی مورد انتظار در دوران ظهور است. البته خود این امر، دو وجه دارد؛ اگر برای برخی افراد همان شرایط رفاه مادی بدون ظهور در زمان حال نیز فراهم شود راضی‌اند و منتظر ظهور نمی‌مانند. غرض و هدف برخی، مجرد رسیدن به نعمت‌های الهی و وسعت در امور زندگی و رفع شداید و سختی‌هاست، به گونه‌ای که اگر در همین حال از برای او این جهات اصلاح شود _ یعنی خداوند به او در نعمت‌های خود وسعت عطا فرماید و سختی‌ها و بلاها را از او دفع کند _ آن حال اشتیاق از او زایل می‌شود و به کلی از ذکر آن حضرت و از یاد فرج و ظهور ایشان غافل می‌گردد. اگر چنین باشد، به کلی از عنوان خلوص خارج خواهد شد و به فضیلت انتظار فرج فائز نخواهد گردید و در این انتظار، از اهل دنیا خواهد بود (فقیه ایمانی، 1381: 124-125). اما برای برخی، این لذت‌ها و رفاهیات از این لحاظ اشتیاق‌آور است که گشایش و وسعت در نعمت‌های مادی و رفع بلاها و غم‌ها به سبب ظهور امام زمان رخ می‌دهد. این مورد اخیر پسندیده‌تر است.

ب) انتظار به سبب گشایش ابواب علم و فراهم شدن زمینه‌های عبادت: در این درجه، انسان، قدری از خود جسمی فراتر می‌رود و به دنبال پرورش خود اجتماعی و معنوی است، اما همچنان در محدوده خود قرار دارد؛ چراکه به دنبال فراهم شدن امکانات علمی و عبادی و تسهیل شرایط برای خود است و اصل غرض او از انتظار، برخورداری بیشتر خود او از علوم و معارف است؛ زیرا علوم و معارف در زمان ظهور، به حد کمال می‌رسند، به طوری که زنان در خانه‌های خود به احکام دین، به درجهٔ علما، عارف و عالم می‌شوند (مجلسی، 1403: ج 52، 309). از سویی در دعای عهد آمده است:

اللَّهُمَّ ... مُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ ﷺ.

علوم قرآنی، احکام الهی و سیرهٔ نبوی، در دوران ظهور احیا و تجدید می‌شوند. از سویی در دوران ظهور، ابلیس و اتباع او نابود می‌شوند؛ از این رو امکان کسب معارف دینی و انجام عبادت کاملاً فراهم می‌شود. بنابراین یکی از مراتب انتظار، آرزومندی برای ظهور به سبب گشایش در امور علمی و عبادی است. هر چند این درجه نسبت به درجهٔ پیشین تکامل یافته‌تر است، اما همچنان به تکامل نیاز دارد تا از دایرهٔ خودیت رها شود.

ج) انتظار برای پاداش اخروی: درجهٔ بالاتر انتظار برای اغراض شخصی، به افرادی مربوط می‌شود که بیش از آن که به دنبال رفاه دنیوی باشند متوجه حیات اخروی هستند و انتظار برای فرج و تشکیل حکومت مهدوی را برای پاداش‌های اخروی بر خود برگزیده‌اند؛ زیرا بر اساس روایات، برای منتظران در نزد خدای متعال پاداش‌های اخروی بسیاری وجود دارد. این مرتبه در مقایسه با درجات پیشین پسندیده‌تر است؛ چرا که دیدگاه چنین منتظری تا افق لایتناهی حیات اخروی گسترده شده، اما از آن رو که هنوز خود فرد مطرح است، به توسعه و تکامل نیاز دارد.

در این مرحله خود انسان محور است و این خوددوستی، گرایی به سمت خودخواهی و خودگرایی دارد و انسان از زوایه‌ای تنگ به عالم نگاه می‌کند. او در آن زاویه تابشی جز خود نمی‌بیند. البته انسان همواره دنبال منفعت و حریص بر خیر و نفع خویش است این حرص ذاتی و خدادادی انسان نه تنها مذموم نیست، بلکه مفید و مطلوب است، به شرط آن که انسان بتواند از این حرص به خیر، به عنوان پتانسیلی قوی برای سیر به سمت کمال، بهره جوید و این میسر نمی‌شود، مگر آن گاه که انسان به دنبال کسب معرفت در شناسایی خیر و نفع حقیقی خویش باشد و دامنهٔ محبت خود را وسعت بخشد. برای آغاز یک حرکت صحیح، انسان نیازمند است آگاهی ارادی و محبت خود را متوجه اطرافیان نماید و از دریچهٔ تازه‌ای به خود بنگرد و عشق ورزد؛ چرا که آگاهی به خود، از آگاهی به غیر خود برمی‌خیزد.

2. انتظار با انگیزه عشق به دیگران

در این مرحله، انسان از دایره تنگ خودخواهی خود، گام بیرون می‌گذارد و عواطف خویش را وسعت می‌بخشد. عشق به دیگران، بخشی از خودشناسی انسان به شمار می‌آید؛ چراکه سبب آشنایی فرد با دنیای عواطف و احساسات خویش و همچنین رشد و تکمیل ساختار عاطفی او می‌شود. رشد احساس همدردی و همدلی، مهم‌ترین مظاهر خود عاطفی فرد است (شمشیری، 1385: 138). البته در این مرحله نیز حب ذات انسان با او همراه است، ولی دایره آن وسعت بیشتری یافته و اگر انسان، دیگران را دوست می‌دارد به دلیل احساس قرابتی است که نسبت به آنان پیدا می‌کند. فاعل همیشه برای کمال خویش کار انجام می‌دهد و مقصود اصلی در همه افعالی که از فاعل صدور می‌یابد خود فاعل است. حتی کسی که به انسان در مانده‌ای نیکی می‌کند تا او را شادمان سازد در واقع، به دنبال کمال و نفع خویش است؛ زیرا با دیدن احوال ناگوار آن مسکین، اندوهگین و غمناک می‌شود و با احسان خود در واقع می‌خواهد آن غم و اندوه را از خود برطرف سازد (طباطبایی، 1362: 183). این مرحله از انتظار نیز دارای منزلگاه‌هایی است که عبارتند از:

الف) انتظار برای رفع گرفتاری و آسایش اطرافیان

در این مرحله برای دستیابی انسان به هویت اجتماعی، در سوگیری عاطفی او چرخشی رخ می‌دهد و همین رشد عاطفی سبب می‌شود او با کسانی که در اطرافش زندگی می‌کنند یا نسبتی با او دارند احساس همدلی کند و فرج و گشایش در امور زندگی آنان را خواستار شود. در این مرحله ممکن است تمام تلاش انسان و آرزومندی او برای خویشاوندان و دیگران به زندگی ظاهری اش ختم شود. مثلاً والدین به جای احساس تکلیف در تربیت فرزند و جدیت در این امر، تنها به رضایت و خوشی و لذت محدود و مقطعی فرزند نظر داشته باشند و این یعنی هنوز خروج از دایره خودخواهی‌ها اتفاق نیفتاده و تنها عناصر جدیدی به منطقه خودخواهی انسان افزوده شده است.

ب) انتظار فرج برای تمام انسان‌ها

همدردی _ یا به عبارت بهتر، هم‌تأثری، یعنی شاد شدن از شادی دیگران و رنج بردن از رنج دیگران _ آن‌گاه ارزشمند است که تنها به خویشان و نزدیکان محدود نگردد، بلکه حتی کسانی که هیچ نسبتی با ما ندارند و حتی افرادی که از حضور آنان در جهان هیچ آگاهی نداریم را دربر گیرد؛ این گستره محبتی ضمن این که نشان تعادل روحی فرد است، نقشی بسیار مهم در بازدارندگی از ظلم و ستم و برانگیختن حساسیت افراد در مورد پیامدهای عملکردشان دارد. از آن‌جا که انسان دارای وجدان است، غالباً با دیدن ناراحتی دیگران دچار غم و اندوه می‌شود و دوست دارد برای رفع مشکل آنان

کاری انجام دهد، ولی به علت وسعت و تعدد مشکلات هم‌نوعان، معمولاً در حل مشکلات احساس ناتوانی کرده به سبب محبت نسبت به هم‌نوعان، برای گشایش و وسعت در زندگی آنان مشتاق ظهور می‌شود. در این مرحله، انسان به درجه‌ای از رشد عاطفی رسیده است که انسان‌های دیگر را دوست دارد و از نوعی احساس و عاطفه مشترکی برخوردار می‌شود. این احساس مشترک، او را تا جایی پیش می‌برد که وجدان آگاه و بیدارش از دیدن شرایط سخت زندگی هر کس دیگر به درد می‌آید و تحمل ستم حاکم بر ابنای بشر را ندارد.

برخی اعتقاد دارند که ظهور امام زمان علیه السلام برای همگان فرج نیست و ملحدان و ستمگران و گردن‌کشان، در ظهور آن حضرت فرج و بهره‌ای نخواهند داشت. اگر به عبارت «أُخِي بِهٖ عِبَادِك» در دعای عهد دقت شود، کلمه «عبادک» را از دو منظر می‌توان مورد توجه قرار داد: اگر منظور از عباد، بندگان صالح خدا باشند، کلمه «احی» به معنای حیات سیاسی و اجتماعی برای مؤمنان و مستضعفانی است که در اوج شایستگی، حقشان غصب شده یا شیعیان تحت ظلم ستمگران هستند که با ظهور امام زمان علیه السلام به حیات طیبیه و امنیت و آسایش می‌رسند؛ اما از سوی دیگر در دعای عهد می‌خوانیم: «الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِك؛ مرگ برای تمام آفریدگان مطرح است، نه فقط برای مؤمنان». از این عبارت می‌توان دریافت که عباد به مفهوم تمام انسان‌هاست و ظهور امام برای همه آنان حیات‌بخش است؛ چرا که حیات دارای مراتبی است که ظهور امام باعث ارتقای آن می‌شود؛ همچنان که در روایات آمده است که گروهی از ملحدان در روزگار ظهور، پس از رویارویی با حقیقت حیات‌بخش دین توحیدی، به یگانه‌پرستی روی آورده و در کنار امام زمان قرار می‌گیرند و به او ایمان می‌آورند و از طرفی ستمگران و گمراهانی که به دلیل تیرگی‌های روحی نمی‌توانند هدایت الهی امام را پذیرا باشند با تیغ انتقام امام حیات پیدا می‌کنند؛ چرا که زندگی تبهکاران در این جهان در حقیقت مرگ و نابودی است و آنان با کشته شدن به دست امام زمان علیه السلام به زندگی حقیقی و رهایی از اسارت نفس اماره دست می‌یابند و حداقل فرجی که برای آنان در این میان وجود دارد گرفته شدن فرصت گناه و تباهی و فساد بیشتر، از آنان است.

حتی شمشیر امام که مرگ را برای ملحدان معاند به ارمغان می‌آورد، ریشه در محبت امام نسبت به انسان‌ها دارد. امام از گناه بیزار است، اما حتی بندگان گنهکار را نیز دوست دارد؛ اما تنها راه نجات برخی از آنان این است که با مرگ از گناه جدا شوند تا هم خودشان و هم انسان‌های دیگری که در زیر ستم آنانند رهایی یابند. عبارت «وَ اجْعَلْهُم مَّفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِك» نیز مؤید همین مطلب

است؛ زیرا ممکن است بسیاری از مظلومان اعتقادات الهی نداشته باشند یا مظلومان ظلم خویشتن باشند. از این رو ظهور برای همگان فرج است، اما همه منتظر ظهور نیستند.

(ج) انتظار فرج برای همه موجودات

در این مرحله، انسان به درجه‌ای از رشد می‌رسد که بین خود و تمام اجزای هستی، نوعی پیوند احساس می‌کند و این احساس یگانگی با هستی و انفکاک‌ناپذیری از آن، سبب می‌شود انسان آرزومند کمال همه موجودات باشد. در نتیجه، انگیزه او برای انتظار، محبت به تمام هستی است؛ زیرا بنا بر روایات، وسعت و گشایش و بلوغ و کمال در زندگی حیوانات و نباتات با ظهور، رخ می‌نماید و در کل هستی تحولاتی عظیم و مثبت رخ می‌دهد و انوار ظهور، آن‌ها را نیز دربر خواهد گرفت. روشن است که ظهور امام زمان علیه السلام برای تمام هستی گشایش به ارمغان خواهد آورد. از این رو افزون بر بشر، دیگر عناصر و ارکان هستی نیز در دوران نورانی ظهور به شکوفایی و کمال خواهند رسید.

ارج انتظار به کرامت منتظر است و حرمت ترقب، به تأثیر مترقب؛ چون قلمرو تأثیر ولی عصر علیه السلام اعم از معارف بود و نبود و مسائل باید و نباید است و منطقه وساطت وی _ اعم از انسان و غیر انسان _ و نصاب توانمندی او در این است؛ گستره به ظلم و جور آلوده زمین را به پهنه پاک قسط و عدل، بدل می‌کند و جهنم سوزان نظام سلطه را _ که مایه پر شدن عرصه حیات بشر از غبار ستم و دود طغیان است _ با دست انتقام الهی خاموش و آرمان شهر بهشت‌گونه را _ که لبریز از برابری و برادری و میانه‌روی است _ تأسیس می‌نماید (جوادی آملی، 1387: 171).

بنابراین با توجه به این که قلمرو تأثیر حضرت حجت علیه السلام تمام هستی است، انتظار هر منتظر مؤمن باید انتظاری کلی باشد که تمام موجودات عالم را دربر گیرد. وساطت حضرت ولی عصر در عالم وجود، پیوسته و شامل تکوین و تشریح است. از این رو همگان _ اعم از انسان و غیرانسان _ در دوران نورانی ظهور به هدف غایی خلقت خویش می‌رسند. کمال طبیعت و زمین در آن است که انسان‌های صالح و شایسته را در دامن خویش پیرورد و به واسطه وجود آن‌ها به سمت مقصد و منتهای هستی که خداست، سیر کند؛ اما متأسفانه آدمی با خودخواهی‌ها و خودمحوری‌های خود و دخالت نادرست در طبیعت و برخورد ابزارگونه با طبیعت و جهان هستی، در آن فساد و تباهی ایجاد می‌کند؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

(روم: 41)

بر این اساس، در این مرتبه از انتظار، روح انسان چنان لطافت و رقتی می‌یابد که از نابودی طبیعت نیز متأثر می‌شود. بنابراین انگیزه او از محدوده هم‌تأثری با هم‌نوعان فراتر رفته و تمام مخلوقات الهی را دربر می‌گیرد و انسان، آرزومند رفع نقصان و فساد از دریا و خشکی، هوا و فضا و... می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

او زمین را همچنان که آکنده از ستم و بیداد شده، از عدل و داد پر می‌کند؛ آسمان از ریختن نزولاتش و زمین از رویانیدن گیاهانش هیچ دریغ نمی‌ورزد. (محمدی ری شهری، 1377: ح 1244) در دعای عهد نیز آمده است:

خدایا با او سرزمین‌هایت را آباد کن و بندگان را زندگانی [حقیقی] ببخش. (قمی، 1369: 904)

عشق بی‌دریغ به تمام مخلوقات، از ویژگی‌های وجودی افراد رشد یافته است. انتظار ناشی از این عشق، انسان را آماده ورود و صعود به مرحله بالاتر می‌کند. در این مرحله، انسان آماده شناسایی حقیقت خود است؛ چرا که توانسته است از گوناگونی‌ها گذشته و همه عالم را مانند یک کل ارگانیک بنگرد.

3. انتظار با انگیزه حب الهی

در این مرحله، معیار و ملاک آرزومندی، ارزش‌های الهی است و انسان از پیوندهای نوعی و طبیعی فراتر رفته، همه عالم را مظهر یک حقیقت می‌بیند؛ از این‌رو ملاک علاقه و آرزومندی خود را محبت الهی قرار می‌دهد. در نتیجه، به محبان خدا علاقه و محبت بیشتری پیدا می‌کند. این مرحله نیز دارای مراتب و درجاتی است که برخی از درجات آن به نوعی با مرتبه قبل _ یعنی عشق به دیگران _ نیز مرتبط است.

الف) انتظار فرج برای مؤمنان

این مرتبه از انتظار، انتظار برای رفع مشکلات از جامعه ایمانی و آحاد مؤمنان و موحدان است؛ یعنی انتظار فرج امام زمان علیه السلام برای برطرف شدن مصائب و مشکلات مادی و معنوی و دینی و دنیوی که مؤمنان را احاطه کرده است؛ زیرا در دوران غیبت آن حضرت، مؤمنان _ به خصوص شیعیان _ دچار مظلومیت شده و در نوعی سرگردانی و بی‌سامانی قرار گرفته‌اند. در دعای عهد آمده است:

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ؛ (قمی، 1369:

دعای عهد)

خدایا غم و اندوه دوری آن بزرگوار را به ظهورش از قلوب این امت برطرف گردان و برای آرامش دل‌های ما، در ظهورش تعجیل فرما!

تفاوت این مرحله با مرحله انتظار برای تمام انسان‌ها در معیار پیوند عاطفی و موضوع مسائل و مشکلات _ یعنی گرفتاری‌ها و حرمان‌های معنوی و ایمانی _ است.

ب) انتظار فرج برای انبیا و اولیا و فرشتگان الهی

در این مرحله انسان به درجه‌ای از کمال عاطفی می‌رسد که مرزهای تاریخی را نیز پشت سر می‌گذارد و نه تنها از مشکلات مؤمنان هم‌عصر خود دچار رنج و ناراحتی می‌شود، بلکه مشتاق به ثمر رسیدن زحمات همه اولیا و انبیای الهی است؛ چرا که انبیای الهی به دلایلی گوناگون از جمله جهالت مردم عصر خود نتوانستند آن‌گونه که اشتیاق داشتند رسالت عظیم هدایت بشری را به انجام رسانند. از این‌رو آنان نیز چشم به راه موعود منتظر بودند تا به دست او، رسالت آنان تکمیل شده و به سرانجام برسد. در دعای ندبه آمده است: «کجاست آن کسی که انتقام خون پیامبران و فرزندان آن‌ها را می‌گیرد؟» بنابراین ظهور حضرت مهدی و عالم‌گستر شدن مکتب توحیدی، فرج و گشایش امور انبیا و اولیای الهی است. از سویی فرشتگان الهی نیز به دلیل غصه‌های انبیا _ به‌ویژه خاندان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و به‌خصوص امام حسین علیه السلام _ بسیار غمگین و گریان شدند و منتظر روزی هستند که قائم، انتقام خون آنان را بگیرد و زمین را از لوث وجود فاسدان پاک سازد. از این‌رو درجه بالاتر انتظار، انتظار برای گشایش امور انبیا و فرشتگان الهی است.

ج) انتظار برای سرور حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گشایش در امور آل محمد علیهم السلام

از عبارت «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» روشن می‌شود که ظهور امام زمان، فرج و گشایش امر حضرت رسول و ائمه طاهرين علیهم السلام است. بر اساس آیه «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: 5)، با ظهور امام زمان علیه السلام مستضعفان وارثان زمین خواهند شد و مستضعفان واقعی، کسانی هستند که در اوج شایستگی، حقشان تضییع و غصب شده است. بنابراین ائمه معصوم، مستضعفان واقعی هستند و ظهور امام زمان بازگرداننده شدن حقوق حقه به خاندان حضرت رسول صلی الله علیه و آله به شمار می‌رود. از سویی پیامبر صلی الله علیه و آله آرزومند دیدار آقا امام زمان علیه السلام نیز بودند؛ پس درجه بالاتر انتظار، انتظار برای شادی دل حضرت رسول و گشایش امور خاندان آن حضرت است. در دعای عهد آمده است:

خداوندا، پیامبرت و پیروان او را به دیدارش شادمان کن و پس از او به بیچارگی ما رحم کن! خداوندا، با ظهورش این گرفتاری را از این امت برطرف نما!

در این مرحله فرد به درجه‌ای از بلوغ عاطفی و ایمانی رسیده است که قرابتی عمیق بین خود و انسان کامل به ویژه حضرت رسول اکرم احساس می‌کند و انگیزه او برای انتظار و اشتیاق ظهور، خرسندی حضرات معصومین علیهم‌السلام و اتمام مصائب و مشکلات ائمه هدی علیهم‌السلام به ویژه امام زمان علیه‌السلام است؛ زیرا روشن است که با توجه به مراتب وجودی امام زمان _ که بالاترین درجه انسانیت و کمال انسانی به شمار می‌رود و به سبب اشرافی که بر عالم دارند، میزان آگاهی و ادراک ایشان از مسائل و مشکلات، بیش از همه است و بزرگ‌ترین مصائب و اندوه‌ها را تحمل می‌کنند _ خود ایشان، منتظرترین فرد برای امر فرج و ظهور هستند.

از بالاترین درجات محبت، حب و محبت عمیق و احساس پیوند با امام زمان علیه‌السلام است که نزدیک‌ترین درجه به مقام فنا در محبت الهی و تسلیم و رضا در برابر خواست خداست. از این‌رو شایسته است انسان برای شادی و سرور دل ایشان _ که با برپایی حکومت توحیدی و اجرای عدالت در جان و جهان حاصل می‌شود _ منتظر طلوع حکومت مهدوی باشد.

(د) انتظار برای ظهور اراده الهی

اگر انسان در مراحل قبلی به طور کامل موفق شود، به سرمنزل سلوک عاطفی _ که حب الهی است _ نایل می‌شود. البته این مرحله گرچه سرمنزل مقصود است، اما نهایی ندارد؛ چرا که محبوب بی‌منتهاست. پس بالاترین و خالص‌ترین مرتبه انتظار، اشتیاق به فرج امام زمان علیه‌السلام برای ظهور امر الهی است. در زیارت امام زمان در روز جمعه آمده است:

وَ اَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَ ظُهُورَ الْحَقِّ عَلَيَّ يَدَيْكَ؛ (قمی، 1369: 106)

به انتظار ظهور تو و ظهور سلطنت حق به دست قدرت تو هستم.

یعنی انسان بدون توجه و چشم‌داشت به منافع مادی و معنوی فرج برای خود و اطرافیانش، از آن جهت منتظر ظهور باشد که در دوران حکومت عدل مهدوی، غلبه حق بر باطل صورت می‌گیرد، امر الهی تجلی کامل می‌یابد و حقوق انبیا، اولیا، مستضعفان و صالحان به آنان بازگردانده می‌شود.

در روایتی می‌خوانیم:

عمار ساباطی می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: آیا عبادت با امام مستتر در دولت باطل افضل است یا عبادت در ظهور و دولت حق به همراه امام ظاهر؟ فرمود: ... عبادت شما در نهان به همراه امام مستتر در دولت باطل بهتر است. ... گفتم: فدای شما شوم! اگر چنین است دیگر آرزومند نیستیم که از اصحاب امام قائم در دولت حق باشیم؛ زیرا امروز در امامت شما و طاعت شما هستیم و اعمال ما از اعمال اصحاب دولت حق افضل است. فرمود: سبحان الله! آیا دوست نمی‌دارید که خدای تعالی

عدل و حق را در بلاد آشکار کند و حال عموم بندگان را نیکو گرداند و وحدت و الفت بین قلوب پریشان و پراکنده برقرار کند و در زمین، خدای تعالی معصیت نشود و حدود الهی در میان خلق اقامه گردد و خداوند، حق را به اهلش برگرداند و آن‌ها آن را غالب گردانند تا به غایتی که هیچ حقی از ترس خلقی مخفی نماند؟ ای عمار، به خدا سوگند هر یک از شما بر این حال بمیرد نزد خداوند از شهدای بدر و احد برتر خواهد بود؛ پس مژده باد بر شما! (صدوق، 1386: ج 2، 548-550)

این درجه از انتظار دربر دارنده همه فضایل مراتب پیشین است. اصحاب مهدی علیهم‌السلام کسانی هستند که آن بزرگوار را برای آن چه خدا می‌خواهد خواسته‌اند؛ خواه برای دنیای آنان سودمند باشد، خواه زیانبخش؛ در هر حال تابع مشیت الهی هستند (ابن طاووس، 1388: 260). از این‌رو در بالاترین درجه خلوص، انتظار برای تجلی امر الهی و گسترش توحید و یگانه‌پرستی در سراسر عالم و اجرای همه حدود و احکام الهی به درست‌ترین شکل است که این درجه انتظار، ارزشمندترین مرتبه آن به شمار می‌رود. انتظار در حقیقت، اتصالی دائمی با واسطه وجود _ یعنی عین انسان _ است که او نیز با منبع وجود اتصال دارد و انسانی که به دنبال صیورورت انسانی است برای نیل به مقام بندگی محض خدا، به خلیفه الهی متصل می‌شود و به مقام انتظار می‌رسد. این مرتبه از انتظار، یعنی درک اضطرار به وجود امام زمان علیه‌السلام و تحقق حکومت مهدوی است که انسان را از ظلمات خودخواهی به نورانیت توحید نایل می‌کند. این سیر عاطفی از خود انسان شروع می‌شود و به خود او بازمی‌گردد؛ اما در ابتدای راه، انسان خود جسمی است و درانتهای راه، خود الهی. بنابراین مقصود از خود دوستی، دوست داشتن من ملکوتی و علوی انسان است که سرچشمه گرایشات و انگیزه‌های اصیل انسان به شمار می‌رود و شامل «حب بقا»، «حب کمال» و «حب لذت یا سعادت» می‌شود. هر یک از این موارد نیز به منزله یک اصل، منشأ فعالیت‌های مختلف می‌شوند (مصباح یزدی، 1376: ج 2، 42-43). انسان در این حرکت از خودخواهی و خوددوستی محصور و محدود خود با توسعه بخشی به توانایی‌های عاطفی بالقوه خود وارد کثرت شده، به سوی وحدت سفر کرده و حقیقت وجود خود _ یعنی «خود ربانی» خویش _ را درمی‌یابد. اکنون که دید او از زاویه تنگ خودبینی به وسعت بینش الهی رسیده است، عشق به دیگران و عشق به طبیعت و موجودات ملکی و ملکوتی معنای دیگری می‌یابد. او اکنون خویشاوندان را مایملک خود نمی‌داند و برای ظواهر آنان دلسوزی نمی‌کند. انسان در این مرحله به چنان بصیرتی می‌رسد که با چشم جان، ملکوت عالم را می‌بیند و بین کمال خود و دیگران تزامنی حس نمی‌کند. از این‌رو همچنان که برای خود طالب بالاترین درجات کمال است، برای دیگران

به‌ویژه آحاد مؤمنان در اقصی نقاط عالم خواهان کمال می‌شود، به گونه‌ای که هرگاه می‌خواهد درودی به محضر مولای خویش ابلاغ نماید تمام مؤمنان را شریک قرار می‌دهد:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنْيَ وَعَنْ وَالِدَيْ مِنَ الصَّلَوَاتِ ...

او می‌داند که ظهور امام زمان علیه السلام و تجلی اراده الهی در ظرف حیات دنیوی، انسان‌ها و موجودات دیگر را در مسیر سعادت و کمال و شکوفایی واقعی قرار می‌دهد. این جاست که برای نجات دیگران دست به ایثار و فداکاری می‌زند. حتی انواع گوناگون از ایثار و فداکاری که در طول تاریخ زندگی انسان مشاهده می‌شود، برگرفته از همین نیروی محرکه بنیادین _ یعنی حب ذات _ است. انسان گاهی فرزند یا دوستش را بر خود ترجیح می‌دهد و گاهی خویش را قربانی برخی ارزش‌ها و امور متعالی می‌کند؛ اما تا زمانی که نسبت به این امور احساس لذت نکند و تا آن هنگام که منفعتی بیشتر نبیند، هرگز به آن‌ها اقدام نمی‌کند (صدر، 1401: 37). این احساس تا آن‌جا می‌تواند پیش رود که انسان از گمراهی افراد نیز به رنج بیفتد، همچنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه با نپذیرفتن دین از سوی مردم روبه رو می‌شد، چنان غصه آنان را می‌خورد که خداوند خطاب به ایشان می‌فرمود:

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾ (کهف: 6)

گویی می‌خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی، اگر به این گفتار ایمان نیاورند!

این موضوع در باره امام زمان علیه السلام نیز صادق است؛ آن حضرت در یکی از توقیعاتشان برای گروهی که درباره وجود آن حضرت به شک افتاده بودند چنین مرقوم فرمود:

به من خبر رسیده که جماعتی از شما، در امر دین به تردید افتاده و شک و سرگردانی درباره ولی‌ام‌شان پیش آمده است. این امر، مارا اندوهگین ساخت به خاطر شما، نه به خاطر ما، و برای شما ناراحت شدیم، نه برای خودمان؛ چون خدا با ماست و با وجود او نیازی به غیر او نداریم. (طبرسی، 1403: ج 2، 278)

منتظر راستین امام نیز در تبعیت کامل از او چنین احساسی نسبت به مؤمنان و انسان‌ها و دیگر مخلوقات عالم پیدا می‌کند. بنابراین انسان وقتی وسعت دید پیدا کند، بهتر به مصالح و منافع خود و دیگران پی می‌برد و در حقیقت، جنبه مطلوب حرص و هلع، فرد را به پا گذاشتن برای روی خواسته‌های مراتب دانی وامی‌دارد.

منتظری که برای تجلی اراده الهی انتظار می‌کشد و حتی چشم‌داشتی به پاداش مضاعف عبادت در دوران غیبت ندارد، کسی است که نه تنها از محدوده لذات طبیعی محض و حیات مادی عبور کرده، بلکه پا را از لذات معنوی و عقلانی و روحانی و بالاتر از آن، لذات حیات اخروی نیز فراتر گذاشته است. او در حقیقت در مرحله‌ای است که به شکوفایی ذات و هم‌نوایی با آهنگ کل هستی رسیده است. لذا اراده او در اراده امام خویش _ که مظهر اسماء الهی است _ فانی شده است؛ همچنان که در دعای عهد می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الدَّائِبِينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ الْمُخَامِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

برای این که انسان بتواند به این مرحله از خودشناسی و تکامل عاطفی برسد و واجد چنین مرتبه‌ای از انتظار گردد، لازم است چشم ملکوتی‌اش گشوده شود. انسان برای دیدن حقیقت خود باید فاصله‌ای مناسب از عالم اشیا و محسوسات و تعلقات اتخاذ کند و این فاصله همان عبور از غرایز و ارزش‌های دانی به سمت ارزش‌های متعالی است. بهترین راه نگرستن به ایده‌آل و آگاهی از کاستی‌ها و نارسایی‌ها و تلاش برای بهبود و ارتقا و اصلاح است؛ زیرا تنها با نظر به ایده‌آل است که می‌توان از کبودهای واقعی آگاه شد. مکتب تربیتی انتظار به بهترین وجه، این نیاز انسان را پاسخ داده است؛ چنان که اولاً با مطالعه در سیره امام زمان علیه السلام و دیگر ائمه هدی علیهم السلام می‌توان تکلیف خود را شناخت؛ ثانیاً با توجه به روایات و دعاهای مرتبط با انتظار یا صادره از سوی امام عصر علیه السلام راه درست زندگی و سیر در مسیر انتظار راستین را دریافت.

نتیجه

انسان ذاتاً موجودی خوددوست است و همه کارهای او بر اساس این عنصر خدایی صورت می‌گیرد. انتظار به عنوان افضل الاعمال از این قاعده مستثنی نیست. البته انتظار امری وجودی و همراه انسان است و غفلت، مانع بهره‌مندی او از نیروی عظیم انتظار برای ساختن زندگی فردی و اجتماعی می‌شود. تنها وظیفه انسان برای بهره‌مندی از مواهب انتظار، تلاش برای اشتداد و ارتقای انتظار است. مراتب انتظار با مراتب خودشناسی و خوددوستی همسو و هماهنگ است که در این‌جا بدان‌ها پرداخته می‌شود:

در پایین‌ترین مرتبه، حب ذات در مرحله حیات طبیعی و مادی محض قرار دارد که انتظار متناسب با آن، اشتیاق به ظهور برای رسیدن خود و بستگان به وفور نعمت و رفع شداید است.

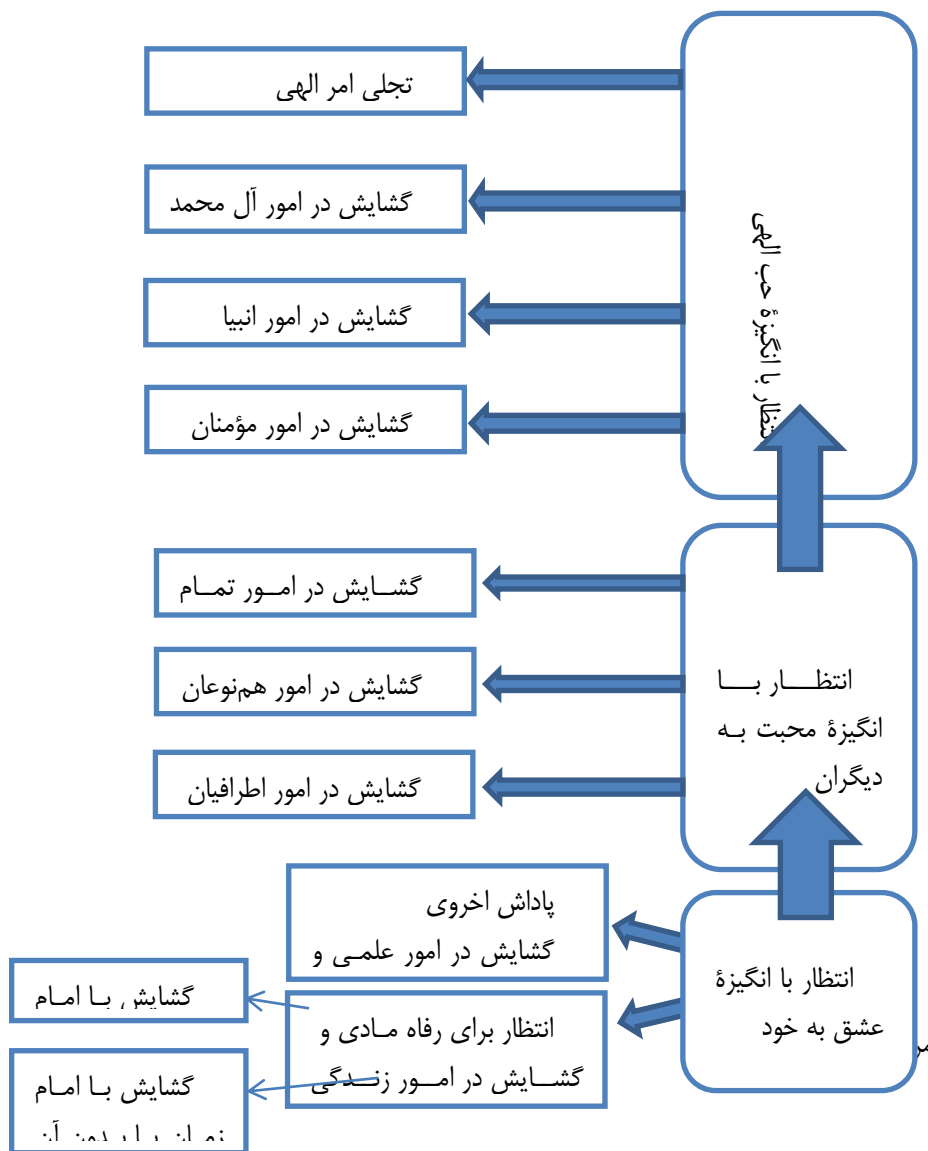
مرتبه بعدی حب ذات در مرحله حیات معقول قرار دارد که شامل لذات معنوی، عقلانی و روحی می‌شود. در این مسیر، انتظار برای گسترش علوم و معارف، تسهیل عبادت، آرامش روانی و... برای خود و دیگران است.

مرحله بعدی حب ذات بر اساس منافع اخروی است؛ یعنی آنچه انسان را به مسلک انتظار می‌کشاند رهایی از عذاب اخروی و برخورداری از نعمت‌های بهشتی است.

بالاترین مرتبه حب ذات، شکوفایی ذات و ورود به آهنگ کلی هستی است که میوه این حد از تکامل خودآگاهی و رشد عاطفی، انتظار برای تجلی اراده حق است. این مرتبه از انتظار، پرورش یافته و انتظاری همچون انتظار انسان کامل و رکن دین خداست که در بالاترین سطح از حب ذات تجلی پیدا می‌کند. اما نیل به این مرتبه از انتظار، امری است که به معرفت و عزم جدی نیاز دارد. به همین دلیل از انتظار به عنوان بهترین و از سویی سخت‌ترین اعمال یاد شده است. منتظر واقعی شخصیتی دارد که او را از دیگران متمایز می‌کند؛ روشن‌اندیشی، اراده و عزم استوار و ظرافت احساسات و نشاط و تعالی درونی که نشانه عمق و دوام سیر روحی به سوی ارزش‌هاست.

انسان برای رسیدن به بالاترین درجه انتظار، لازم است خود را از غفلتی که او را در بند غیبت _ یا همان یعنی گرفتاری در سطحی‌نگری و اشتغالات مادی و سهل‌انگاری‌ها _ گرفتار کرده برهاند. انسانی که طالب چنین مرتبه‌ای از انتظار است، باید به بررسی لایه‌های درونی خود بپردازد و آلودگی‌ها و تعلقات روحی و درونی خود را بازشناسی و پالایش کند و نیز همواره ضمن امیدواری به اتصال و یگانگی با امام عصر، خوف جدایی از ولایت را داشته باشد. همچنین باید در بررسی لایه‌های زیرین اعتقاد درونی خود از هرگونه مسامحت و سهل‌انگاری بپرهیزد تا فراعنه پر مکر درون خود _ اعم از حب جاه و مقام، ترس از قدرت‌های ظاهری، کینه، غضب، حسادت، شهوت‌پرستی و ... _ را بازشناسی کرده و در رفع آن‌ها اقدام نماید تا چشم جان بصیر گردد و انسان بتواند از راه شهود، بصیرت و درون‌نگری، امام را درون خود بیابد. اندیشه و تمایل انسان، آن‌گاه به روشنایی معرفت و محبت امام رو می‌کند که او از آرزوهای محقر و دانی و گناه‌آلود روی برتابد و این نیازمند ممارست و مهارت است. لذا انسان در این مسیر _ به‌ویژه در مرحله گذار از غرایز به ارزش‌ها _ نیازمند مربی است و چنان‌چه بتواند از این مرحله به سلامت عبور کند، برای سیر به ارزش‌های متعالی باید به خودسازی بپردازد. مراجعه به دعا‌های فرآیندیشی _ که وظایف منتظران را روشن می‌کنند _ و عمل به مضامین آن‌ها توصیه می‌شود. تا وقتی ناپاکی‌ها و مبتذلات و حرام از مبادی ورودی انسان _ اعم از

دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها و خوردنی‌ها _ زوده نشوند، افکار و امیال او به ملکوت و حقیقت ذات رجوع نخواهند کرد.



منابع

- ابن بابویه، علی بن حسین، الامامة و التبصرة من الحيرة، قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، 1404 ق.
- ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی، اخلاق، ترجمه: علی منفرد نظری، قم، جلوه کمال، 1388 ش
- جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، 1375 ش.
- جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی موجود موعود، قم، مرکز نشر اسراء، 1387 ش.
- شمسیری، بابک، تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان، تهران، طهوری، 1385 ش.
- صدر، محمدباقر، فلسفتنا، قم، دارالکتب الاسلامی، چاپ دهم، 1401 ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: منصور پهلوان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، 1386 ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، نهاییه الحکمه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، 1362 ش.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، 1403 ق.
- فقیه ایمانی، محمدباقر، شیوه‌های یاری قائم آل محمد عليه السلام، قم، انتشارات عطر عترت، چاپ اول، 1381 ش.
- قمی، عباس، مفاتیح الجنان، قم: انتشارات ام ابیها، 1369 ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1403 ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحديث، 1377 ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1376 ش.
- میرزایی، فاطمه، معرفت نور تا عصر ظهور، قم، ارمغان طوبی، 1387 ش.
- هرندی، محمد حسن بن ملا علی، شرح دعای عهد، به کوشش: حسین درگاهی، تهران، اهل قلم، 1374 ش.